

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادبیات عاشقانه ایل الیکایی

(مثلها، کنایات، تشبیهات و ترانه‌ها)

علیرضا شاه حسینی



انتشارات خلیه رود

۱۳۹۴

سرشناسه	شاه حسینی، علیرضا، ۱۳۴۷
عنوان و نام پدیدآور	ادبیات عامیانه ایل الیکایی (مثل ها، کنایات، تشبیهات و ترانه ها)
مشخصات نشر	علیرضا شاه حسینی
مشخصات ظاهری	سمنان، انتشارات حبله رود، ۱۳۹۴.
شابک	۲۴۱ ص.
وضعیت فهرست نویسی	۱۰۰۰۰ ریال: ۱-۱۷-۷۶۴۴-۶۰۰-۹۷۸
پیدا شد	فیبا
موضوع	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	ادبیات عامه ایرانی - - گرمسار
رده بندی دهگانه	ضرب المثل های الیکایی
رده بندی دهگانه	۱۳۹۴ الف ۲ ش / PIR8815
شماره کتابشناسی	۹۷۸/۸۱: ۴۰۹۹۶۱۱



انتشارات حبله رود

www.hablerood.ir

ادبیات عامیانه ایل الیکایی (مثل ها، کنایات، تشبیهات و ترانه ها)

علیرضا شاه حسینی

مقدمه: محمد احمدپناهی / پناهی سمنان

ناشر: انتشارات حبله رود

تایپ و صفحه آرایی: محمد تقی رهبر / رهبر

طرح روی جلد: مرجان شمسی خانی

عکس روی جلد: خانمها شادروان امیللا شاه حسینی، گوهر ابوالی از ایل الیکایی

عکس پشت جلد: تعدادی از راویان خوش سخن کتاب

شابک: ۱-۱۷-۷۶۴۴-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و صحافی: زلال کوثر قم

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ده هزار تومان

چاپ نخست، ۱۳۹۴

این اثر با حمایت اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان منتشر شده است

فهرست مطالب

۱۱۶.....	ل	۱.....	مقدمه
۱۱۷.....	م	۸.....	پیش گفتار
۱۳۰.....	ن	۱۸.....	آوانگاری
۱۳۳.....	و	۱۹.....	ضرب المثالها
۱۴۴.....	ه	۱۹.....	ا
۱۵۱.....	ی	۴۰.....	ب
۱۵۴.....	کنايات	۵۰.....	پ
۱۶۴.....	تشبيهات	۵۲.....	ت
۱۷۵.....	دعاها	۵۷.....	ج
۱۸۱.....	قسمها	۵۹.....	چ
۱۸۴.....	نفرین ها		ح
۱۸۷.....	چيستانها		خ
۱۸۹.....	ترانه های کار	۷۴.....	د
۱۹۳.....	ترانه های مازنی	۸۱.....	ر
۲۰۲.....	ترانه شیردوشی	۸۲.....	ز
۲۰۲.....	ترانه تهیه قره برروت (سجده)	۸۵.....	س
۲۰۵.....	چارباداری (چارواداری)	۹۵.....	ش
۲۰۷.....	ترانه های چوپانی	۹۹.....	ص
۲۰۹.....	ترانه های ساربان	۱۰۰.....	ض
۲۱۳.....	ترانه های قالی بافی	۱۰۱.....	ع
۲۱۶.....	ترانه های محلی	۱۰۲.....	غ
۲۳۸.....	یادنامه همراهان	۱۰۲.....	ف
		۱۰۳.....	ق
		۱۰۴.....	ک
		۱۱۳.....	گ

مقدمه

ادبیات عامیانه در اصطلاح به آثار تخیلی و ذوقی توده مردم گفته می شود که به طور شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. ادبیات عامه را ادبیات شفاهی، هنر زبانی عامه یا هنر کلامی عامه نیز نامیده اند. ادبیات شفاهی از غنی ترین گنجینه های میراث فرهنگی هر ملت به شمار می رود.

فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم در جوامع سنتی به ویژه روستاییان و عشایر و میان مردمی که به حفظ آداب و سنت ها و شیوه های زندگی فراوان دارند، غنی تر و گسترده تر است.

غنا و گستردگی ادبیات عامه در این جوامع بیشتر به سبب نزدیکتر بودن زندگی مردم به طبیعت، یعنی طبیعی تر بودن شیوهی زندگی آنها و در نتیجه قوی تر بودن ذوق و نیروی احساس و تخیل آنهاست.

در اهمیت ادبیات شفاهی، بیان این نکته کافی است که ادبیات مکتوب جهان در طول حیات چندین ساله خود، همواره متأثر از ادبیات شفاهی بوده است. ادبیات فرهنگ عامه شامل ضرب المثل ها، ترانه ها، چیستان، کنایات، تشبیهات، قسم ها، نفرین ها، لالایی ها، تصنیف ها، قصه ها، مَثَل ها و... است.

بنابراین ثبت و ضبط ادبیات شفاهی اقوام ایرانی به منظور جلوگیری از فراموشی و نابودی آن و نیز پشتوانه ادبیات کلاسیک، امری ضروری است. اثر حاضر شامل ضرب‌المثل‌های اصیل و بومی ایل الیکایی، کنایات، تشبیهات، دعاها، قسم‌ها، نفرین‌ها، چیستان‌ها، ترانه‌های کار و دوبیتی‌ها است. یشتین حجم کتاب را ضرب‌المثل‌ها تشکیل می‌دهد. پیش از این (در سال ۱۳۸۳) بخش از ضرب‌المثل‌ها در کتاب کم‌حجمی با عنوان «ضرب‌المثل‌های الیکایی» به قلم خازنده همین سطور منتشر شده بود. در سال‌های اخیر ضرب‌المثل‌های بی‌یافته دیگر به آن افزوده شد و در مجموع ۵۴۰ ضرب‌المثل گردآوری گردید.

ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها که بخش مهمی از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند، گنجینه‌های گران‌سنگی هستند که در طول سال‌ها متمدنی ساخته و پرداخته شده و شکل می‌گیرند.

ضرب‌المثل نیز همچون شاخه‌های دیگر فرهنگ عامه، با معیشت و محیط و مسائل اجتماعی مردم در ارتباط است.

مثل‌ها، کوتاه‌جملاتی‌اند با مفاهیمی بلند و عمیق، مفاهیمی که با گذشت زمان در کوره تبادل افکار و مراودات اجتماعی گذاخته و آبدیده می‌شوند و گاهی چنان موجز، بیان مقصود می‌کنند که ساعت‌ها سخن گفتن یا نوشتن را یارای چنین کاری نیست.

در یک مثل به گونه‌ای ساده، اما گره خورده با پدیده‌های گوناگون جامعه، اندیشه‌ای بر زبان می‌آید که در مفاهیم «حرکت» تلاش و همراهی به چشم می‌خورد. به همین سبب است که ضرب‌المثل‌ها را باید از زوایای مختلف نگریست و در ارتباط با پدیده‌های دیگر مورد مطالعه قرار داد. اشعار و ترانه‌های عامیانه نیز چون ضرب‌المثل‌ها از مسائل زندگی مردم جدا نیستند.

مثل حاصل تلاش فکری انسان هوشمند و خردمند است که در عرصه روابط اجتماعی در گذر زمان به وجود آمده و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است!

مثل‌ها در اقیانوس بیکران حیات اجتماعی اقوام و ملل همچون در و گوهر، گران قدر و ارزشمندند. به درستی گفته شد است که مثل حکمت توده است و هر ملتی که امثال بیشتری می‌داند از توسعه فکری عامه بیشتری برخوردار است.^۲

ضرب‌المثل‌های عشایری به دلیل روابط ساده اجتماعی و تماس مستقیم با طبیعت بکر، صریح، بی‌پرده ولی عمیق و پرمعنا هستند.

در این جامعه به دلایل متعدد از جمله اعتنای بیش از حد به روش انتقال سینه به سینه مطالب، تجارب و آموخته‌ها، مثل‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند.

لیکایی‌ها دارای مثل‌های فراوان هستند. «کاربرد دقیق و به جای امثال برای

۱. کیانوش کیانی هفت‌لنگ. ضرب‌المثل‌های بختیاری. تهران: مؤلف، ویراست دوم، ۱۳۷۸.

ص ۹.

۲. مهدی پرتوی آملی. «ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، جلد اول»، تهران، سنایی ص ۱۹.

انتقال مفاهیم مورد نظر نزد همه آنها از زن و مرد عشایری، روستایی و شهری امری رایج و مشهود است.

ترانه‌ها و دوبیتی‌ها

تعدادی از ترانه‌ها و دوبیتی‌های محلی را که به نظر می‌رسد کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شوند، با استفاده از اطلاعات و حافظه گیس‌سفیدها و ریش‌سفیدهای ایل گردآوری شده است.

سرایندگان و شاعران این اشعار برخاسته از دل را کسی نمی‌شناسد و به طور کلی می‌توان سرایندگان ایل آنها را مردمی دانست که از سال‌های خیلی دور در این منطقه می‌زیستند.

ترانه‌ها و دوبیتی‌های ایل از مردم الیکایی نمونه‌ای روشن و بارز از ذوق و هنر اهالی ایل است که اغلب به وسایط شاعران گمنام محلی سروده شده است. شعرها و ترانه‌ها گرچه قالبی ساده و بی‌پایان دارند، اما از احساس و لطافت زیادی برخوردارند و زمانی که با لهجه شیرین محلی خوانده می‌شوند، موجب نشاط و شغف و تفکر و خیال پردازی در شنونده می‌شود.

دوبیتی اغلب با مضامین عاشقانه سروده شده است و رابطه بین عاشق و معشوق را به تصویر می‌کشد، اما در بین آنها دوبیتی‌هایی هم وجود دارند که دارندۀ مضامین عارفانه هستند و بیشتر در ستایش ذات باری تعالی و مدح و منقبت رسول خدا (ص) و اولیای بزرگوار سروده شده‌اند.

سرایندگان با طبع لطیف خود آنها از صحیفه دل بر لفافه سخن پیچیده‌اند و

در این روزگار برای ما به یادگار گذاشته‌اند و قافله زمان توانسته است این راکبان صید شده به دست سپهر پیر را از پل مرگ و نیستی بگذراند و به دست ما بسپارند.

هر چند با هزاران افسوس نمی‌دانیم که سرایندگان و خالقان آنها چه کسانی بودند و در چه زمانی زندگی می‌کردند و چرا نام و نشانی از خود به جا نگذاشته‌اند. با وجود این ما را بس که ریزه خوار خرمن لطیف و مصفای آنها هستیم و خیمه نهدی که است از عشق‌ها، دردها، رسیدن‌ها و نرسیدن‌ها با این اشعار، لغز، ساده و پر معنا جلای بخشیم.

دوبیتی‌های فایز، مفتون، باطال، ه دانی و دیگر سرایندگان محلی و گمنام دست‌مایه‌های خوانندگان محلی است و هر چند پیش می‌آید که خودشان اشعاری داشته باشند و مصرع یا کلمات به کار رفتن در بیت اصلی را به میل خود تغییر دهند.

بخش عمده‌ای از دوبیتی‌ها در راز و نیاز با خدا و توسل به ائمه اطهار (ع) است.

چیستان

چیستان، یکی دیگر از انواع ادبیات عامه است که در زیرمجموعه ادبیات شفاهی غیرداستانی جای می‌گیرد.

چیستان سخنی بسته و پوشیده در وصف و سنجش چیزی یا چیزهای کاملاً متفاوت دیگر است. در چیستان معمولاً ویژگی‌ها و نشانه‌هایی را از چیزی به

استعاره و کنایه برای آزمودن هوش شنونده بیان می‌کنند و از او نام آن چیز را می‌خواهند. چون این نوع سخن در زبان فارسی به صورت استفهامی بیان می‌شود و غالباً با کلمه مرکب «چیست آن» می‌آید، آن را اصطلاحاً «چیستان» نام ده‌اند.

تشبیهات

تشبیه، در علم بیان مانند کردن چیزی است به چیزی دیگر. تشبیه ماندگی مبتنی بر نزدیکی است با اغراق همراه است، یعنی باید دو چیز را که در واقع به یکدیگر شبیه نیستند و یا با قل شباهتی آشکار ندارند، را به هم مانند کنیم. در تشبیه، نویسند یا شاعر، شباهتی را ادعا و برقرار یا آشکار می‌کند، بنابراین جمله‌ای که تمام ارکان تشبیه را داشته باشد، اما مبتنی بر صدق باشد، چون مخیل نیست، تشبیه نیز به حساب می‌آید. مثلاً در جمله «سگ مانند شغال است» چون جمله مخیل نیست و در عالم واقع سگ و شغال از یک گونه‌اند، تشبیه‌ی روی نداده است. اما جمله تشبیه‌ی جمله‌ای است که به ظاهر درست نمی‌نماید و باعث اعجاب می‌شود و کسی در دید منطقه به این باور ندارد. در فرهنگ گویش الیکایی، تشبیه با «هنتیه» آغاز می‌شود. مثلاً: «نون هنتیه پییه» نان را به پنبه تشبیه می‌کنند که بسیار نرم است.

کنایات

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی دور و نزدیک است که معنی نزدیک آن مورد نظر نیست، اما

گوینده جمله را چنان ترکیب می‌کند و به کار می‌برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل می‌شود.

کلام را با عنوان زیبایی که یکی از پژوهشگران فرهنگ مردم در اهمیت زبان مادر، برای مقاله خویش برگزیده است، به پایان می‌بریم:

«مادری که خُرمتش را پاس نمی‌داریم»^۱

امیدواریم که سرور و حفظ و پاسداشت میراث بومی اقوام ایرانی را بیش از پیش درک کنیم و قدرش داشته باشیم. فرهنگ اصیل خود باشیم. در پایان لازم می‌دانم از همه زبان‌کهنسال ایل تقدیر و تشکر نمایم که بدون هیچ مُزد و منتی داشته‌ها و نداشته‌های خود را در اختیار مؤلف قرار دادند.

عمر باشندگان آنها دراز باد و روح رفتگان شاد، قرین رحمت باری تعالی، ان‌شاءالله.

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقیست.

علیرب شاه‌حسینی

۱. محمد جعفری قنوازی. کتاب کودکان و نوجوانان، ش ۹۲ (خرداد ۱۳۸۶).

پیش‌گفتار^۱

محمد احمدپناهی (پناهی سمنانی)

کتابی که پیش روی دارید، اثر دیگری از مجموعه کوشش‌های فرهنگی پژوهشگر جوان و برناباش، علیرضا شاه‌حسینی از فرهنگ جامعه‌عشایر الیکایی گرمسار است، جایی که مؤلف خود از میان آن برخاسته و با شور و شوق در کار معرفی فرهنگ پرمایه‌ی آن است.

شاه‌حسینی این بار به ضرب‌المثل‌ها در این کتاب پرداخته است. چنانکه می‌دانیم مثل یا ضرب‌المثل و اصطلاح، از گره‌های شگفت و پرمایه‌ی فرهنگ عامه ملت‌هاست. مثل به مثابه نمودی برجسته، در مجموعه هنر ملی جایی خاص را به خود اختصاص داده است. وجه مثبت و سیر در تعریف مثل، آن خاصیتی است که موجب می‌شود تا کلامی در تداول عامه، نامی، بایدار کسب کند، به عبارت صریح‌تر، سخن منظوم و منظوری که حامل پیام مشخص است، وقتی اعتبار مثل را به دست می‌آورد که در گفتار مردم تکرار شود و کاربرد یابد

۱. این پیش‌گفتار را استاد محمد احمدپناهی (پناهی سمنانی) برای کتاب «ضرب‌المثل‌های الیکایی» تألیف نگارنده در سال ۱۳۸۳ نگاشته‌اند، که مؤلف به خاطر اهمیت مطالب، آن را مجدداً در این کتاب آورده است.

(بنگرید به: ا.ح. آریان‌پور، جامعه‌شناسی هنر، چاپ سوم، ص ۱۵۷).

این که چه کلامی - منظوم یا منثور - مثل است و حد و مرز تعریفی که قلمرو مثل را در بر می‌گیرد، کدام است، البته بسیار دشوار است ولی راه یافتن آن کلام در حیم قبول خاطر عوام، یکی از مهم‌ترین پایه‌های تعریف مثل است، زیرا در تسبیل بهایی آن چه که سرنوشت شعر یا سخنی را که می‌باید حکم مثل را یابد، تعیین می‌کند. همین «قبول خاطر عامه» است. و هنر ملی از همین راستا کسب تشخیص را هدف می‌کند. ویژگی آن چه که از آن به عنوان «هنر ملی» یاد می‌شود، در واقع تائیدی است که از هنر عوام گرفته است، زیرا که هنر عوام پویا و فعال است و عناصر تسبیل دهند، آن همواره با نیازهای جامعه پیوند دارد و بر اساس واقعیت‌های ملموس زمان، تغییر می‌کند، آینه تمام‌نمای آن حقایقی است که در درون زندگی مردم جریان دارد و رسالتی را تعیین می‌کند که هنرمند، اگر خود را «هنرمند ملی» می‌داند، باید بر آن باور داشته باشد و در تحقق آن با تمام توان خود بکوشد. زیرا که مثل، عصاره تجربه تاریخی تسبیل‌های یک ملت است. هدفی که هنر ملی را القاء می‌کند، ریشه در مؤثرترین عناصر گذشته و حال دارد و از اتحاد این دو فراهم می‌آید و چون دارای چنین کیفیتی است، دراز، گرا و انحصاری نیست. حتی در حصار مرزهای حقوقی ملت‌ها و کشورها باقی نمی‌ماند، بلکه برای همه ملت‌ها دارای معنی و مفهوم است، چرا که عناصر مادی و معنوی، که پایه‌های اصلی فرهنگ معنوی ملت‌ها را می‌سازند، سرشار از زمینه‌های مشترک‌اند. یکی از محققان ما به درستی گفته است که: هنر ملی،

بنیاد هنر بین‌المللی است. هنر هر چه ملی‌تر باشد، استیلای مکانی و زمانی پهناتر و پهناتر خواهد داشت.

فرهنگ ملی ایران، با ویژگی‌های ممتاز و بدیعی، دینی بسیار بزرگ بر گردن فرزندان اندیشه‌ورز خود دارد که بخش عظیمی از آن هنوز ادا نشده است. تنها به عنوان اشاره به یکی از این نوع زمینه‌های کار نشده، می‌توان از جامعه‌شناسی مش‌ها یاد کرد. جامعه‌شناسی مثل‌های ایرانی، طرحی بزرگ است و دریغ که در کشور ما بماند بیافته است. هم از این رو است که گردآوری مثل و کوشش‌هایی از این دست می‌واند گامی در خور ارزش در راه آن طرح بزرگ باشد. گردآورنده مثل، هر چه محمل ملی موسوعی و نمودهای جنبی و دامنه تقسیمات مضمونی کار خود را گسترده کند، گام‌هایش بی‌شک تقیق آن طرح بزرگ بلندتر و استوارتر و بالطبع معتبرتر و ثمربخش‌تر برداشته شده است.

مرور در بُن مایه‌های معنایی ضرب‌المثل‌های الیکایی در این کتاب، در نخستین نگاه این نکته را به ذهن می‌آورد که چگونه یک جامعه‌ی کوچک ایلی، با اقتصادی مبتنی بر دامداری و اندکی کشاورزی، فرهنگ و پرمعنا می‌سازد؟

این پدیده را در فرهنگ‌های قومی و بومی و طایفه‌ای ایران - و همه ملت‌های جهان - می‌توان دید. و چنین است که از گونه‌های قابل تأمل و شایسته پژوهش در فرهنگ عامه ایران، ضرب‌المثل‌های جوامع کوچک محلی هستند. اگرچه (چنانکه خواهیم گفت) برخی از این مثل‌های الیکایی شهرت عام دارند

و در زبان و فرهنگ رسمی رایج هستند و از این طریق وارد مثل‌های محلی شده‌اند، اما بخش عمده آنها ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بومی دارند. به همین سبب گردآوری و تنظیم و ارائه آنها ضروری است، چرا که پدیده‌های فولکلوریک بومی ایران، هر کدام بخشی و جزئی از فرهنگ ملی را می‌سازند. فرهنگ ملی به این پاره‌های جدا افتاده از خویش، بسیار نیازمند است و اساساً اعتبار و ارزش و ژرفای فرهنگ ملی، با این پاره فرهنگ‌ها تحقق می‌یابد و آن گاه، جایگاه شایسته خود را به دست می‌آورد.

هیچ یک از تلاش‌هایی که برای تبیین تاریخ و فرهنگ راستین یک ملت صورت می‌گیرد، بدون در نظر گرفتن پدیده‌ها و آفرینش‌های فولکلوریک، کامل نخواهد بود. مثل‌ها در این آفرینش‌های بومی، مدهای دارند.

به نظر من آقای شاه‌حسینی و دیگر علاقه‌مندان که برای معرفی فرهنگ‌های زادگاهی خود می‌کوشند، نیاز و ضرورت این را پاسخ گفته‌اند.

اگر مثل، فشرده تجربه‌ی طولانی نسل‌هاست، پس، از سکا زندگی مایه می‌گیرد. این معنا در ضرب‌المثل‌های الیکایی بازتاب چشمگیر، در میان آنها می‌توان زندگی تاریخی و اجتماعی ایل الیکایی را تماشا کرد.

ضرب‌المثل‌های الیکایی از ظرفیت‌های زندگی دامداری، که با زندگی اجتماعی تلفیق شده‌اند، مایه می‌گیرند. اگر خواننده بخواهد با رخدادها و فراز و نشیب‌ها و منش اخلاقی و اجتماعی این جامعه الفت برقرار کند، باید از درون مایه‌ها و پیام‌های این مثل‌ها به آسانی نگذرد. تنها به عنوان نمونه به چند

مَثَل اشاره می‌کنم:

واش ریشیش سر سُوِز کند.

علف بر سر ریشه/اش می‌رود.

واش نه‌مو، شوی لار دوش هینه.

باران نیامده شولا را بر دوش گرفته است.

می‌بینیم که در این دو مثل، از نمادها و نشانه‌های مشخص زندگی پیرامون، از بده بستان عاقل طبیعت و ساز و کار آن برای بیان مفاهیم اخلاقی و تربیتی بهره‌جویی شده است.

حتی برای بیان مقولات و ایده‌های عارض بر جامعه، مثل فاصله طبقاتی، باز از نمادها و سمبل‌های حیات دامن‌ری وام گرفته شده است:

وَرگ غار جَلوی، پوست و هَسْتَن بَسِیار.

جلوی غار گرگ، پوست و استخوان زیاد است.

مثل در عین حال که به مخاطب فقیر خود هشدار می‌دهد تا ریخت و پاش خانه‌های ثروتمندان، حساب دخل و خرج زندگی را از دست او بیرون نبرد، اشاره‌ای کوبنده و ریشخندآمیز به این نکته دارد که اسباب آن ریخت و پاش ثروتمندان را زندگی مشقت‌بار بسیاری از مردم فرودست فراهم می‌کند. پوست و استخوانی که در جلوی غار گرگ انباشته شده است. نشانه‌ای بر این بده بستان و رابطه‌ی تلخ اجتماعی است که اغنیا به حساب فقرا به زندگی انگلی خود ادامه

می‌دهند. در مثلی دیگر به پیامد این نابرابری اجتماعی اشاره شده است:

ورگی که بزو به زمه، وای به حال یکی دار.

گرگ که به کله حمله کند، وای بر کسی که یکی دارد (تنها یک کوسفند در کله دارد)

یعنی که فقیران از حوادث روزگار، لطمه‌ی بیشتری می‌بینند. حتی آموزه‌های تربیتی نیز از نوع معیشت و زندگی مادی، نشانه‌هایش را برمی‌گزیند:

سگ کنگی یال کوچیکی.

سگ را در تولگی و بچه را در دهان بابت تربیت کرد.

بزی که مولکی گل خنه، آشکارا زینه.

بُزی که مخفیانه جفت‌گیری کند (یا در غیر اینصورت جفت‌گیری کند) آشکارا می‌زاید.

نمونه‌ها را در وسعت بیشتری می‌توان از مثل‌های کتاب *تعمیم داد*. چنان که اشاره شد پاره‌ای از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات سرای کتب، شهرت عام دارند یا به تعبیری همگانی هستند و کاربردشان تنها در جامعه عشایر الیکایی محدود نیست، مانند این ضرب‌المثل:

بُشَنوت اِسکَم دار زَن کِل خَنه، آمبا نَدَنده جوجور کِل خَنه.

شنیده است که زن شکم دار (حامله) کِل می خورد، اما چطور کِل می خورد
را نمی داند.

گَنده سَطش خط دان.

و سَط نه گندم خط وجود دارد.

که کنایه از سررشت عدالت و برابری است.

این مثل در اغلب فارسی هم آمده است:

زان دو نیم است دان گندم / که یکی خود خوری، یکی مردم

و با اصطلاحاتی نظیر:

خینسر تُشنای.

برای خونش تشنه است.

ددیش تُشناسنه.

پدرش را نمی شناسد.

و برخی از این مثل های وارداتی، در مثل های الیکایی، با غنای درونه

مضمونی، لباس دیگر پوشیده اند:

گیوی دیم مَرْدَن بکوشته، گیوی بن خودمون.

روی گیوه ام مردم را کشته، کف گیوه خود ما را.